

تحصیل دلیل در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی

♦ دکتر محمدعلی مهدوی ثابت*

محمد محرابی**

چکیده: دلیل به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان فرآیند دادرسی حقوقی و کیفری مطرح بوده و در آیین دادرسی کیفری، بدون آن، امکان انتساب رفتار مجرمانه به مرتکب آن و یا اثبات بی‌گناهی وی و نتیجتاً اجرای مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی و یا بالعکس اعلام براءت و بی‌گناهی وی، ممکن نخواهد بود. در نظام آیین دادرسی کیفری، فرآیند تحصیل دلیل و انطباق آن با استانداردهای تعیین شده در اسناد بین‌المللی و مربوط به حقوق بشر، از جمله مواردی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به پدیده جهانی شدن و گرایش به ایجاد یک نظام جهانی دادرسی کیفری و کمبودهایی که در نظام‌های ملی کیفری خصوصاً در سیستم ادله اثبات دعوی جزایی مشاهده می‌گردد، طبیعتاً گرایش به رویکرد انسان‌محور و حقوق بشری در جمع‌آوری و ارائه دلایل کیفری، با استقبال بیشتری روبه‌رو گردیده که این امر بیانگر ضعف‌های موجود در نظام حاکم بر ادله اثبات دعوی کیفری در چارچوب سرزمینی و تمایل به برقراری یک نظام مبتنی بر آرمان عدالت کیفری خواهد بود. از این رو در این مقاله تلاش می‌شود به جوانب مختلف مساله و ارائه راهکارهای موثر اجرایی در خصوص موضوع فوق پرداخته شود.

واژگان کلیدی: دلیل، دادرسی کیفری، اثبات دعوا، تحصیل دلیل، اسناد بین‌المللی حقوق بشری.

حقوق بشر می‌باشد. در این خصوص می‌توان اذعان داشت، پراکندگی و کلی‌گویی اسناد بین‌المللی و خصوصاً حقوق بشری از موضوعاتی است که منجر گردیده در نظام ادله اثبات امور کیفری به سختی بتوان آنها را منطبق با قوانین و اصول جاری در فرآیند دادرسی کیفری در چارچوب نظام سرزمینی دانست. در توضیح باید بیان داشت، علت این مساله را باید در مفهوم عمومیت این اسناد جست‌وجو نمود. هرچند که اصول کلی و جامع مربوط به دلایل کیفری خصوصاً اصل براءت و آثار ناشی از آن برای دستگاه قضایی تکلیف توجه به قوانین را مقرر نموده است.

«برابری، جهان‌شمولی، عدم تبعیض، غیرقابل تجزیه بودن، وابستگی درونی و مسئولیت»^۱ به عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های این اسناد مطرح بوده که در شمول مصادیق آنها، همواره تردیدهای فراوانی وجود خواهد داشت. اما در نظام ادله اثبات دعوا در امور کیفری، تنوع ادله و تعارض احتمالی شیوه تحصیل و ارائه آنها در محکمه کیفری با اسناد بین‌المللی مرتبط، باعث گردیده که مفهوم ادله نامشروع و خلاف واقع به ادبیات آیین دادرسی کیفری وارد گردد. به بیانی دیگر، آنچه اثر اجرایی و مثبت ادله را به تباهی می‌کشد، مواجه و تعارض آنها با اصول و قواعد مذکور خواهد بود. از این استدلال به این نکته می‌توان رسید که با توجه به عزم جهانی و رویکرد بین‌المللی تنظیم اسناد در مراجع دارای صلاحیت، آنچه به نظام تحصیل ادله کیفری مشروعیت خواهد بخشید، تطابق این نظام با اصول مسلم پذیرفته شده در آن اسناد خواهد بود.

۱- اصول و قواعد حاکم بر تحصیل دلیل

است. اصولاً در امور کیفری، دلایل از قبل آماده نمی‌شوند بلکه بعد از واقعه مجرمانه باید در پی جمع‌آوری آنها بود. به عبارت دیگر، برخلاف امور حقوقی که معمولاً طرفین یک رابطه حقوقی در هنگام ایجاد حقوق و تکالیف ناشی از آن، به ایجاد دلیل اثبات آن مبادرت می‌ورزند تا در موقع لزوم نسبت به الزام طرف مقابل به اجرای تعهدات خود اقدام نمایند، در امور کیفری، اصولاً اثبات وقایعی مطرح است که تحقق آنها از پیش معلوم نبوده و کسی در صدد تهیه دلیل اثبات آن نیز برنیاوده است.^۲

با توجه به جایگاه اصول و مبانی اسلامی در نظام جزایی کشور باید گفت: «اسلام برای دلیل و احراز آن اهمیت ویژه‌ای قائل است و احادیث شریف بر این امر تاکید می‌کنند. به دلیل این اهمیت است که شارع مقدس هر جا که جرمی را عنوان کرده دلایل اثبات آن را هم ذکر نموده است.»^۳ از این رو از نگاه اسلام نیز می‌توان به ضرورت امر تحصیل دلیل نگرسته شود و نسبت به اصول و قواعد حاکم بر آن اظهار نظر نمود. بنابراین با توجه به اهمیت جمع‌آوری و تحصیل دلیل در امور کیفری، تبعاً آثار این فرآیند، دامنگیر طرفین پرونده کیفری شده و می‌توان از جنبه‌های مختلف به جریان و اقدامات مرتبط با تحصیل دلیل نگرست. «هرچند در برخی از کتب آیین دادرسی کیفری ایران، موضوع ادله اثبات دعوا به عنوان موضوع جداگانه‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، اما جدای از اینکه اینگونه کتاب‌ها بسیار اندک و محدود هستند، به ندرت موضوع و مبانی حاکم بر ادله را مطرح نموده‌اند.»^۴ یکی از مهم‌ترین رویکردهای مطالعاتی پیرامون این موضوع، رویکرد حقوق بشری و نگاه به امر تحصیل دلیل از دریچه اسناد بین‌المللی و

برای دست‌یابی به آرمان عدالت کیفری، کنکاش در اصول و قواعد حاکم بر قوانین جزایی موضوعه، همواره از کلیدی‌ترین مباحث مورد عنایت علمای حقوق کیفری بوده است. برای هر موضوعی قطعاً مبانی وجود دارد که ضرورت‌های وجودی آن را ایجاب می‌کند. در مبانی ما از هست‌ها صحبت می‌کنیم و از هست‌ها، باید‌ها را انتزاع می‌کنیم. زیرا در پاره‌ای از موارد، موضوعات چنان اهمیت دارند که سیر تکاملی فرآیند رسیدن از آنچه که هست به آنچه که باید باشد در آنها بیشتر مورد لحاظ است. یکی از مسائل قابل تامل در فرآیند دادرسی کیفری که محل بحث قرار گرفته و در چارچوب آنچه باید باشد بررسی می‌شود، تحصیل دلیل توسط طرفین پرونده کیفری و نیز مرجع رسیدگی‌کننده به آن می‌باشد. تحصیل دلیل، به معنای به دست آوردن و ساختن دلیل است. سیستم قضایی کشور در برخورد با رفتارهای خلاف نظم عمومی و ارزش‌های فردی و اجتماعی و اختلافات موجود در روابط میان افراد، قائل به تفکیک رسیدگی به امور حقوقی و کیفری شده است. بی‌شک هر یک از این دو نوع رسیدگی دارای ویژگی‌ها و خصوصیات خاص خود می‌باشد که البته علت این امر را می‌توان در منشا و اهداف متفاوت هر یک از این دو عنوان کرد. بنابراین باید گفت هر یک از این دو نوع رسیدگی در کیفیت و نحوه تحصیل دلیل نیز با هم متفاوت هستند و دارای تشریفات خاصی در رسیدگی می‌باشند. دلایل در امور کیفری از اهمیت بیشتری نسبت به امور حقوقی برخوردارند. «در واقع، به غیر از اهمیت منافع و حقوقی که محدود کردن آنها در امور کیفری مطرح است، طبع خاص موضوع دلیل نیز بر اهمیت دلایل در این امور افزوده

کیفری در حقوق ایران

دادرسی منصفانه در بردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که جهت رعایت حقوق اصحاب دعوا در رسیدگی به دعوی آنان پیش‌بینی گردیده است. در بستر چنین دادرسی، دلیل به عنوان مرکز ثقل دعوی کیفری نه تنها باید خود، مشروع و قانون باشد بلکه روش تحصیل و به‌کارگیری آن نیز باید تابع اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری باشد. کیفر مجرمان در اجتماع، هر چند یکی از اهداف اساسی آیین دادرسی کیفری است اما این هدف مهم نباید به کارگیری هرگونه ابزار و وسیله‌ای را توجیه نماید چرا که بدون تردید، شیوه‌های غیرقانونی نمی‌تواند متصف به وصف انصاف و عدالت گردند و در چنین وضعیتی، صحبت از دادرسی منصفانه خود ناعادلانه است. دستگاه عدالت کیفری که به دنبال تحقق عدالت و دادرسی منصفانه است، نمی‌تواند فقط به محصول کسب دلیل توجه نموده و از شیوه‌های تحصیل آن غافل گردد. بنابراین نقطه آغاز تضمین دادرسی منصفانه، رعایت اصول و قواعد حاکم بر ادله کیفری به ویژه در مقام تحصیل و به‌کارگیری آنها در فرآیند رسیدگی‌های کیفری است.^۵ در ادامه و در قالب دو قسمت به موضوعات تحصیل دلیل از طرق قانونی و کسب آزاد دلیل خواهیم پرداخت.

۱-۱- اصل قانونی بودن تحصیل دلیل

در نظام ادله قانونی که می‌توان آن را «اقناع وجدانی قانون‌گذار» نامید، مقنن دلیل یا ادله قابل قبول و ارزش اثباتی هر یک یا مجموعه‌ای از آنها را پیش‌پیش تعیین و دادرسی را در صورت ارائه دلیل یا ادله مورد نیاز و صرف از اعتقاد درونی او، موظف به صدور حکم محکومیت نموده است و در صورت عدم ارائه دلایل مورد نظر مقنن، قاضی مکلف به تبرئه نمودن متهم است و حق ندارد به دلیل دیگر استناد کند.^۶ در واقع قانون‌گذار در این نظام از ادله، قواعد ثابتی را تعیین نموده و به دادرس نشان می‌دهد که حکم کیفری خود را بر اساس کدام نسخه از ادله استوار نماید و بر ادله‌ای که مبنای حکم قرار می‌گیرد، چه شرایطی را بار نماید. این قواعد، دادرس را ملزم به رعایت دقیق ضوابط می‌نماید و هنگامی که علم و یقین حاصل در وجدان وی کاملاً منطبق بر قالب فرمول‌های قانونی نباشد، حق اصدار حکم محکومیت را به وی نمی‌دهد. پس قانون‌گذار از قبل و بر اساس یک برنامه کلی، ارزش اثباتی ادله مختلف را مشخص می‌نماید و در این فرآیند، قاضی فقط باید کوشش نماید به سایر مقررات مربوط به دلایل آگاهی یابد و بنابراین مأموریت عمده‌اش کمک به تحصیل دلایل، بررسی و بازبینی آنها و فراهم نمودن شرایط قانونی لازم برای صدور حکم است.^۷ ریشه‌های نظام ادله قانونی را باید در دوره تجدید حیات حقوق روم که به وسیله حقوقدانان

عرفی و با تکیه بر قوانین ژوستینین به عمل آمد جست‌وجو کرد که در قرن شانزدهم به اوج تکامل خود رسید. این نظام که در امپراتوری رم و اروپای قرون وسطی متداول بوده است، دادرس را مانند شخصی مسلوب‌الاختیار فرض نموده است که «به مثابه صفحه کلیدی است که اگر برخی دکمه‌های آن را فشار دهند، ضرورتاً همواره به یک روش پاسخ می‌دهد.»^۸ در نظام ادله قانونی، قواعد ثابتی برای اثبات وقوع جرم و انتساب آن معین شده و دادرس مجبور است به حکم قانون‌گذار، امر معینی را دلیل بر وجود یا عدم امری بدارد و وقوع جرم و صحت انتساب آن را منحصر از طریق ادله قانونی احراز کند به طوری که گفته شده: «قاضی باید طبق دلایل پیش‌بینی شده در قانون رای بدهد، هر چند به وقوع جرم و انتساب آن به متهم یقین نداشته باشد»^۹ و از قدرت قانونی برای استفاده از تمام وسایل و امکانات تحقیق و کشف حقیقت و توسل به تمام انواع و اقسام ادله اثباتی محروم است و در حقیقت، چون قانون‌گذار انواع ادله اثبات بزهکاری متهم و ارزش قانونی آنها را تعیین و اعلام نموده و برای آنها، خواه در جهت تأمین برائت مهم و خواه در جهت صدور حکم محکومیت و آثار و نتایجی در نظر گرفته است، کلیه قضات ملزم به تبعیت از آن قرار می‌گیرند.^{۱۰} در نظام جزایی اسلام، در جرایم غیرتعزیری نظام قانونی تحصیل دلیل حاکم می‌باشد.^{۱۱} با این وجود عده‌ای معتقدند که نظام کسب دلیل در دادرسی کشورمان از نظام اقناع وجدان قاضی و نه نظام قانونی تبعیت می‌نماید و در این خصوص به وظایف ضابطین قضایی در جهت انجام هرگونه اقدامی به منظور اقناع وجدان قاضی و علی‌رغم در دست داشتن دلیل، اشاره داشته‌اند.^{۱۲} بدیهی است، نظام قانونی تحصیل دلیل، به دلیل قرار گرفتن در تنگنا و محدودیت نمی‌تواند به تنهایی نظام مناسبی جهت استقرار یک دادرسی منصفانه تلقی شود. در کشور ما مقررات آیین دادرسی کیفری، به وضوح گویای پذیرش چنین نظامی می‌باشد که البته این امر را می‌توان به عنوان یکی از نواقص بزرگ قانونی کشورمان دانست. لازم به ذکر است که در مقام نظام قانونی تحصیل دلیل، نظام آزاد تحصیل دلیل مطرح می‌باشد. در این نظام محدودیت‌های نظام قانونی کسب دلیل مشاهده نمی‌شود ولی طبیعتاً این نظام نیز درخور معایبی است که در قسمت‌های بعدی این موضوع تحت بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲- اصل آزاد بودن کسب دلیل

در پرونده‌های کیفری، چون غالباً مقصود، اثبات امور عادی از قبیل ارتکاب اعمال مجرمانه و عناصر مادی و روانی بزه می‌باشد، امکان تهیه دلیل از زمان وقوع جرم وجود ندارد. بنابراین قانون‌گذار نمی‌تواند برای این نوع دعوی ادله

اثبات پیش‌بینی نماید. به همین دلیل نظر قالب این است که قاضی باید بتواند از هر راهی که ممکن است اقناع وجدان حاصل نماید و دست او در تحقیق و تفحص و جمع‌آوری ادله برای اثبات جرم نسبت به دعوی حقوقی بارزتر است.^{۱۳} آزادی دلیل را نباید مترادف با لجام‌گسیختگی نظام دلایل یا آشفتگی ادله دانست. زیرا با وجود پذیرش این اصل، ادله جزایی باید متضمن شرایطی باشد و اصولی را محترم بشمارند. بارزترین این شرایط عبارت است از محترم شمردن حق دفاع متهم و به سخن دیگر دامنه آزادی دلایل تا آنجا گسترش می‌یابد که حق دفاع متهم که خود ممکن است به صورت فعال یا غیرفعال اعمال شود، محدود نشود.^{۱۴} فرضیه آزادی دلیل دارای محدودیت‌هایی است، گرچه کشف حقیقت، هدف و منظور اساسی پرونده کیفری است در عین حال این حقیقت نمی‌تواند به هر وسیله‌ای ولو نامشروع به دست آید. شان و منزلت دستگاه قضایی و احترام به عدالت و حقوق انسانی، مستلزم جلوگیری از به کار بردن وسایلی است که ارزش‌های اساسی تمدن بشری را به مخاطره می‌اندازد.^{۱۵} در این راستا، قانون‌گذاران کشورمان در اصول قانون اساسی و قوانین عادی، اصل آزاد بودن تحصیل دلیل را مورد تخصیص قرار داده‌اند.^{۱۶} آزادی دلیل در قلمرو آیین دادرسی کیفری بیانگر دو جنبه مکمل یکدیگر است. از یک طرف آزادی دلیل به مفهوم آزادی اشخاص در تهیه و ارائه دلیل در امور کیفری است که تحت عنوان تحصیل آزادانه دلیل شناخته می‌شود. از طرف دیگر، آزادی دلیل به معنای آزادی دادرسان در ارزیابی ادله و پذیرش یا رد آنهاست که تحت عنوان ارزیابی آزادانه دلیل مطرح می‌شود. گفته شده است که در قوانین جزایی کشورمان در جرایم تعزیری اصل آزاد بودن تحصیل دلیل حاکم می‌باشد.^{۱۷} بررسی مواد ۲۱۱، ۲۰۷، ۱۹۷، ۱۹۴ و ۲۱۲ قانون آیین دادرسی کشورمان بیانگر این نکته است که قانون‌گذار در صدد تحصیل اقناع وجدانی دادرس و صحه‌گذاران بر اصل ارزیابی آزادانه دلیل توسط دادرسان است و جز در موارد استثنایی از جمله حدود و قصاص که ادله اثباتی خاصی را پیش‌بینی نموده است، در مورد سایر جرایم از اصل تحصیل آزادانه ادله، تبعیت نموده است. البته ماده‌ای که صراحتاً بر این دو بعد آزادی دلیل اشاره نماید وجود ندارد.^{۱۸} در توجیه ضرورت پذیرش اصل آزادی در تحصیل دلیل باید به حفظ حقوق طرفین دعوا و نقصان نظام قانونی کسب دلیل استناد نمود. البته باید اضافه نمود که آزاد بودن تحصیل دلیل به تنهایی موجبات مفسده خواهد بود و می‌تواند زمینه‌ای جهت ارائه دلایل ناموجه را فراهم آورد. بنابراین به نظر می‌رسد در نظام گردآوری ادله کیفری، بهترین گزینه، تلفیقی از نظام قانونی و آزاد با یکدیگر باشد. بدین ترتیب

که در موارد خلاء نظام قانونی به نظام آزاد کسب دلیل رجوع نمود و بالعکس.

۲- مبانی تحصیل دلیل در اسناد حقوق بشری

در یک نگاه کلی، اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به بیان اصول و قواعد مسلمی در تحصیل، ارائه و پذیرش دلیل پرداخته‌اند. اصولی همچون اصل برائت و عدم پذیرش ادله نامعتبر، از جمله اصولی هستند که در اکثر این اسناد رکنی انکارناپذیر تلقی می‌شوند.

۱-۲ اسناد جهانی حمایت از حقوق بشر

نظام جهانی حقوق بشر از سازمان‌های گوناگونی از جمله: «کمیسون حقوق بشر (اخیرا شورای حقوق بشر)، کمیسون مقام زن، کمیته حقوق بشر، کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی، کمیته رفع تبعیض نژادی، کمیته رفع تبعیض علیه زنان، کمیته منع شکنجه، کمیته حقوق کودک و... تشکیل یافته است که هر کدام از آنها در حوزه صلاحتی خود بر اسناد بین‌المللی حقوق بشر نظارت می‌نمایند.^{۱۹}» نهادهای جهانی حقوق بشر عمدتاً حول محور سازمان ملل متحد شکل گرفته و تکامل یافته‌اند، بدان نحو که برخی از آنها مبتنی بر منشور سازمان ملل متحد و در زمره ارگان‌های فرعی ملل متحد به شمار می‌روند و شماری دیگر اگرچه به لحاظ منشا پیدایش بر دیگر معاهدات بین‌المللی مبتنی بوده‌اند اما به نحوی به سازمان ملل متحد وابسته شده‌اند.^{۲۰} در خصوص چگونگی تحصیل دلیل، اکثر اسناد بین‌المللی حمایت از حقوق بشر، به بیان اصول و قواعد کلی اکتفا نموده‌اند. این موضع بدان جهت است که اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر به عنوان معیار رفتار انسانی تلقی شده و اصول حاکم بر آنها، اصولی عقلی و اخلاقی و مورد قبول و پذیرش جامعه جهانی محسوب می‌شود. از جمله اصولی که در بیشتر این اسناد به چشم می‌خورد و در نظام تحصیل دلیل کیفری نیز کاربرد موثری دارد، اصل برائت است. در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی فرانسه مصوب ۱۷۹۱ که از جمله قدیمی‌ترین اسناد حمایت از حقوق بشر می‌باشد و در بند ۹ اصل برائت بدین شکل تجلی یافته است: «اصل بر بی‌گناهی افراد است مگر آنکه محکومیت آنان اعلام شده باشد.» وقتی اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ تصویب شد، معلوم بود که به زودی از حد یک اعلامیه و بیان و درک و تفاهم مشترک جهانی نسبت به حقوق انسانی مذکور در آن تجاوز نمی‌کند و سال‌ها طول می‌کشد تا مکانیزم اجرایی و الزام‌آور برای آن پیدا شود و چنانکه دیدیم در عمل هم همین طور شد.^{۲۱} با این وجود در این سند بین‌المللی به اصولی همچون اصل برائت اشاره شده است. ماده ۱۱ این

اعلامیه مقرر نموده که: «هرکس به ارتکاب جرم کیفری متهم باشد حق دارد تا زمانی که مجرمیت وی در یک دادگاه علنی مطابق قانون ثابت نشده است، بی‌گناه شناخته می‌شود.» علاوه بر این، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، سند دیگری است که به لزوم رعایت اصل برائت توجه نموده است. در ماده ۲۱۴ میثاق آمده است: «هرکس متهم به ارتکاب یک جرم کیفری شود حق خواهد داشت تا زمانی که مجرمیت وی مطابق با قانون ثابت نشده باشد، بی‌گناه شناخته شود.» در اسناد حقوق بشر اسلامی نیز به اصل برائت عنایت شده است. در متن اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام مصوب ۱۹۹۰ در قاهره و در ماده ۱۹ (هـ) بیان شده: «متهم بی‌گناه است تا اینکه محکومیتش از راه محاکمه عادلانه‌ای که همه تضمین‌ها برای دفاع از او فراهم باشد ثابت گردد.» در کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۲۰ نوامبر سال ۱۹۸۹ نیز اصل برائت مورد لحاظ قرار گرفته است. بر اساس ماده ۴۰ (ب) (۱) این کنوانسیون: «هر کودکی که متهم یا محکوم به نقض قانون کیفری شود حداقل دارای تامين‌های زیر خواهد بود. بی‌گناه شناخته شدن تا زمانی که جرم طبق قانون ثابت نشده.» همان‌طور که مشاهده می‌شود، اسناد جهانی حمایت از حقوق بشر، لاقلاً در خصوص اصل برائت در چارچوب نظام تحصیل دلیل، اظهارنظر نموده‌اند که این موضوع حاکی از حمایت این اسناد از برقراری یک دادرسی منصفانه می‌باشد.

۲-۲ اسناد منطقه‌ای حقوق بشری

منظور از اسناد منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، اسنادی هستند که بین کشورهای یک منطقه منعقد می‌شوند و به موازین حقوق بشری در آنها التفات می‌گردد. از جمله این اسناد، کنوانسیون حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب سال ۱۹۵۰ میلادی در قاره اروپا می‌باشد. «پس از تصویب اساسنامه شورای اروپا، تهیه پیش‌نویس کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی^{۲۲} در دستور کار کمیته وزرای این شورا قرار گرفت. این کنوانسیون در تاریخ ۴ نوامبر سال ۱۹۵۰ میلادی در شهر رم ایتالیا تصویب و در سوم سپتامبر ال ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا شد.»^{۲۳} در این کنوانسیون نیز علاوه بر اصل برائت به سایر اصول و قواعد تحصیل دلیل پرداخته شده است. برابر ماده ۶ (ب) این کنوانسیون: «هرکس به جرم کیفری متهم می‌شود تا زمانی که مجرم بودن او طبق قانون به اثبات نرسیده است، باید بی‌گناه فرض شود.» علاوه بر اصل برائت که در متن کنوانسیون بدان اشاره گردید، ماده ۶ کنوانسیون در بندهای مختلف خود از جمله بند ۳ (ب) و ۳ (د) به موضوعاتی همچون فرصت لازم

جهت تحصیل دلیل و مواجهه و پرسش و پاسخ از شهود و تحصیل شهادت، پرداخته است. علاوه بر کنوانسیون مذکور، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ سن‌خوزه و منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها مصوب ۱۹۸۱ نایروبی، از دیگر اسناد منطقه‌ای حامی حقوق بشر هستند که به اصل برائت به طور خاص پرداخته‌اند. در ماده ۸ (۲) کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر آمده است: «هر شخص متهم به جرم کیفری حق دارد تا زمانی که جرم وی بر اساس قانون اثبات نشده است بی‌گناه فرض شود.» در ماده ۷ (۱) ب منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها مقرر شده: «هرکس حق دارد بی‌گناه شناخته شود تا زمانی که جرم وی در دادگاه یا دیوان صالح ثابت گردد.»

۳- تحصیل دلیل در اساسنامه‌های

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت و دائمی

در تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی کیفری جهت رسیدگی به جرایم بین‌المللی، اساسنامه تشکیل این محاکم نقش بسیار مهمی در چگونگی تشکیل دادگاه و محاکمه متهمین ایفا می‌نماید. با وجود اینکه بسیاری از این محاکم به صورت موردی تشکیل یافتند اما نمی‌توان تجاربی که در نظام کسب ادله این محاکم به دست آمده و در توسعه روند کسب ادله در محاکم بعدی به کار رفته است را نادیده گرفت. بیشتر دادگاه‌هایی که به محاکمه موارد نقض حقوق بشر و جنایات بین‌المللی پرداخته‌اند، به عنوان دادگاه‌های موردی یا ad hoc در حقوق بین‌الملل معرفی شده‌اند. بی‌تردید نمی‌توان تکرر رو به تزايد مراجع و نهادهای قضایی را در سیستم قضایی بین‌المللی انکار کرد، چرا که متعاقب تنوع در موضوعات و تابعان حقوق بین‌الملل، بدیهی جلوه می‌نماید.^{۲۴} در این قسمت ضمن برگزیدن پاره‌ای از این محاکم به سازوکار تحصیل دلیل و ارائه و پذیرش ادله جزایی در آنها خواهیم پرداخت.

۱-۳ دادگاه کیفری بین‌المللی نورنبرگ

در پی جنایات گسترده آلمان‌ها در جریان جنگ جهانی دوم، محاکمه و مجازات جنایت‌کاران بین‌المللی بار دیگر در ادعان مطرح گردید. کشورهای شوروی، آمریکا و انگلستان در بیانیه مشترکی در تاریخ ۱۳ اکتبر سال ۱۹۴۳ در مسکو، بر عزم خود مبنی بر محاکمه جنایتکاران نازی پس از پایان برد تاکید نمودند. در تاریخ ۸ اوت سال ۱۹۴۵، دولت‌های پیروز در جنگ موافقت‌نامه‌ای را در لندن امضا نمودند که در آن تشکیل دادگاهی برای محاکمه سران رژیم نازی در نورنبرگ مقرر شده بود.^{۲۵} بدین ترتیب این دادگاه به وجود آمد. در دادگاه نظامی نورنبرگ، ۲۲ تن از فرماندهان نازی محاکمه شدند که سرانجام در اول اکتبر

یوگوسلاوی سابق ضوابط پنج‌گانه‌ای را پذیرفته است تا مشخص شود که آیا شهود باید گمنام بماند یا خیر؟

۱- باید نسبت به امنیت شاهد یا خانواده وی بیم خطر واقعی وجود داشته باشد.

۲- ادله‌ای که از سوی شهود ارائه می‌شود باید در رابطه با پرونده دادستان از اهمیت برخوردار باشد.

۳- هیچ‌گونه دلیلی مبنی بر اینکه شاهد غیرقابل اعتماد است وجود نداشته باشد.

۴- نباید هیچ برنامه‌ای برای حفاظت از شاهد وجود داشته باشد.

۵- هر اقدامی که اتخاذ می‌شود باید دقیقاً مورد نیاز باشد.

ضوابط پنج‌گانه فوق مورد انتقاد قرار گرفته است. در شرایطی که جنایات علیه بشریت، نسل‌کشی یا جنایات جنگی گسترده باشد، اکثر این ضوابط محقق می‌شوند. این در حالی است که دیوان یوگوسلاوی سابق تاکید می‌کند اقدامات حمایتی باید تنها در شرایط استثنایی و به طور موردی صورت گیرد. به دشواری می‌توان شاهد را متقاعد کرد که اظهارات او علنی باشد. با این حال چنانچه شاهدی به خوبی معرفی شود، بدیهی است به ظاهر دلیلی که نشان دهد شهود غیرقابل اعتماد هستند وجود ندارد. یک نمونه بارز این امر ماجرای شاهد پرونده تادیچ بود. فردی به نام دراگان آپیچیچ شاهد این پرونده بود. وی شهادت داد که تادیچ مرتکب قتل عمد و هتک ناموس به عنف گردیده است و گفت خود شاهد قتل پدرش توسط متهم بوده است. بی‌اعتباری شهادت وی زمانی معلوم شد که پدر او شخصاً در دادگاه حاضر شد.^{۳۲} اصلاحاتی که در آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی سابق در بیست و یکمین جلسه عمومی در نوامبر ۱۹۹۹ به عمل آمد، صریحاً امکان استفاده از شهادت‌نامه را پیش‌بینی کرده است. شهادت‌نامه‌ها در کل ارزش کمتری از شهادت کتبی دارند. زیرا آنها بدون هرگونه امکان سوال از شاهد طرف مقابل به صورت یک‌طرفه گرفته می‌شوند.^{۳۳}

۳ - ۴ - دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا (ICTR)

همانند دادگاه کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به جنایات یوگوسلاوی سابق، دادگاه بین‌المللی رسیدگی به جنایات ارتكابی در رواندا، به موجب قطعنامه شماره ۹۵۵ مورخه ۸ نوامبر سال ۱۹۹۴ پا به عرصه وجود ندارد.^{۳۴} وقایع صورت گرفته در طی کمتر از چهار ماه (از ۶ آوریل تا ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۹۴) در رواندا و کشورهای همسایه آن، فصل جدیدی از منازعات داخلی را رقم زد. در این زمان، مسئولان رژیم با یاری نیروهای شبه‌نظامی و افراد عادی به کشتار جمعیت اقلیت توتسی و هوتوهای مخالف پرداختند و ارتکاب اعمال

قبول دلیل معاف است. دادگاه باید کوشش کند که دادرسی با سرعت انجام شود... دادگاه می‌تواند هر دلیلی را که به نظرش ارزش و اعتبار دارد، قبول کند. دادگاه حق دارد پیش از آنکه دلیل یا سندی از طرف دفاع مطرح شود، از ماهیت مدلول آن آگاه شود. دادگاه حق دارد هر مدرکی را بدون توجه به طبقه‌بندی حفاظتی، یا فردی که آن را امضا نموده است یا سازمانی که آن را صادر کرده است... مانند دستگاه‌های گوناگون اداری، سازمان صلیب سرخ و گواهی پزشکی... دفاتر خاطرات روزانه و نامه‌های خصوصی و غیره را بپذیرد و در اجرای عدالت از آنها بهره‌گیری کند. دادگاه برای موضوع‌هایی که همگان مطلع هستند مقید به دلیل و مدرک یا اثبات آنها نیست. در زمینه مدارک صادر شده از طرف مقامات اداری، یا نظام ملل متفق در جنگ، دادگاه هیچ احتیاجی به اثبات درستی و اصالت آنها را نخواهد داشت. کلیه مدارک نزد دبیرخانه بایگانی می‌شود.^{۳۵} دقت در نظام ادله اثبات کیفری دادگاه توکیو، گویای این حقیقت است که این محکمه در چارچوب اصل آزادی تحصیل دلیل و عدم رعایت اصل برائت و پذیرش اماره مجرمیت به محاکمه متهمین پرداخته است. منتها بدیهی است که روند تحصیل دلیل در این دادگاه دارای ماهیت سیاسی بوده است و این مطلب به وضوح از متن ماده ۱۳ منشور محکمه استنباط می‌شود. با این وجود، با توجه به قدمت محکمه توکیو و بدیع بودن آن در زمان خود و استفاده از نظام آزاد کسب دلیل، بدون شک باید آن را یکی از موفقیت‌های جهانی در روند دادرسی کیفری بین‌المللی تلقی نمود؛ البته این موضوع نمی‌تواند به کتمان نواقص نظام ادله کیفری این دادگاه منجر شود و مهمترین ایراد وارد به نظام ادله محکمه توکیو، دخالت سیاسی در تحصیل دلیل دانسته می‌شود.

۳-۳- دادگاه کیفری بین‌المللی یوگوسلاوی سابق (ICTY)

در پی حوادثی که در نتیجه جریان‌های سیاسی و فروپاشی کشور یوگوسلاوی سابق رخ داد، جنگی در منطقه بالکان روی داد و در جریان این جنگ، حقوق بشر و موازین انسانی به شدت مورد نقض قرار گرفت. تاسیس دادگاه کیفری جهت رسیدگی به جنایات صرب‌ها در یوگوسلاوی سابق را بایستی بر مبنای قطعنامه شماره ۸۰۸ مورخ ۲۲ فوریه سال ۱۹۹۳ شورای امنیت برشمرد.^{۳۶} مقر این دادگاه شهر لاهه هلند در نظر گرفته شد و صلاحیت آن محدود به رسیدگی به موارد نقض شدید کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو، قوانین و عرف جنگ، نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت در یوگوسلاوی سابق لحاظ گردید.^{۳۷} در نظام ادله اثبات دادگاه یوگوسلاوی سابق، ضوابط مشخصی برای پذیرش ادله و حمایت از شهود تعیین گردیده است. دیوان

۱۹۴۶ حکم دادگاه صادر و به موجب آن ۱۲ نفر به اعدام، ۳ نفر به حبس ابد و ۲ نفر به بیست سال حبس و یک نفر به ۱۵ سال حبس و یک نفر به ۱۰ سال حبس محکوم و سه نفر هم تبرئه گردیدند.^{۳۸} در خصوص نظام ادله این دادگاه می‌توان گفت، در نورنبرگ، دلایل و اسناد کتبی، نقش موثری در جریان دادرسی داشتند. ارتش آمریکا در ستاد نیروهای آلمانی به فیض‌هایی دسترسی یافت که کار جمع‌آوری اسناد را آسان کرد. شهادت‌ها جز در موارد بسیار استثنایی اثر ملموسی در دادرسی نداشتند. به طور کلی مدارک و اسناد مطرح در نورنبرگ به شرح زیر بود:^{۳۹}

۱- صورت جلسات مذاکرات.
۲- شهادت کتبی بعضی از شخصیت‌های مهم.
۳- دفتر خاطرات مردان موثر در دولت آلمان نازی.
۴- فیلم‌های مستند سینمایی و نظایر آنها؛
مطالعه نظام ادله اثبات دادگاه نورنبرگ بیانگر این موضوع است که این محکمه نیز به مانند دادگاه توکیو، به دلیل قرار گرفتن در یک برهه زمانی خاص و دخالت جریان‌های سیاسی، از اصل آزاد بودن تحصیل دلیل استفاده نموده است. در دفاع از پیروی از این اصل می‌توان گفت که در زمان محکمه، هیچ‌گونه قواعد بین‌المللی درباره کسب دلیل تصویب شده بود؛ بنابراین محکمه نورنبرگ و توکیو چاره‌ای در استفاده از نظام آزادی تحصیل دلیل نداشتند. هرچند که اصل مذکور مورد استفاده شاکیان قرار گرفت و اصل برائت به دلیل غلبه اماره مجرمیت مورد خدشه قرار گرفت و متهمین پرونده از حقوق دفاعی لازم در تحصیل دلیل به نفع خود برخوردار نبودند. با وجود مطالبی که ذکر شد، نمی‌توان از تاثیر محاکم نورنبرگ و توکیو در تحول نظام تحصیل دلیل به آسانی گذشت. خصوصاً اینکه در محاکمه سران نازی در محکمه نورنبرگ، بسیاری از مدارک و دلایلی که به دست آمد، مورد استناد قرار گرفت.

۳-۲- دادگاه کیفری بین‌المللی توکیو
به موجب اعلامیه فرمانده ارشد نیروهای متفقین که در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۴۶ صادر شد، دادگاهی برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در خاور دور (دادگاه توکیو) تاسیس گردید. صلاحیت این دادگاه رسیدگی به جنایات علیه صلح، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی بود. در دادگاه نظامی بین‌المللی توکیو، ۲۵ نفر محاکمه شدند و حکم دادگاه در ۱۲ نوامبر ۱۹۴۸ صادر گردید که به موجب آن هشت نفر به اعدام و بقیه به زندان‌های بلندمدت و از جمله حبس ابد محکوم شدند.^{۴۰} در خصوص ادله رسیدگی در این دادگاه، ماده ۱۳ منشور رسیدگی دادگاه تعیین تکلیف نموده بود. به موجب ماده ۱۳ منشور رسیدگی: «دادگاه از رعایت برخی از قواعد تکنیکی ناظر به

پذیرش ادله در آن، موارد متعددی یافت می‌شود. اصل برائت در ماده ۶۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی لحاظ گردیده است. پذیرش اصل برائت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی موید این مطلب است که بار اثبات اتهام بر عهده دادستان دادگاه است و متهم لازم نیست بی‌گناهی خود را اثبات کند.^{۴۵} برخلاف نظام کامن لائو و قواعد تکنیکی پیچیده آن در رابطه با ادله، اساسنامه رم به پیروی از سنت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، پذیرش هرگونه ادله ضروری و مربوط را اجازه داده است. احتمالا تعجب‌آورترین مطلب در اینجا از نظر حقوقدانان آموزش‌دیده در نظام کامن لائو این است که در اینجا هیچ قاعده کلی برای مستثنی کردن ادله غیرمستقیم یا شایعات و مسموعات از سایر ادله وجود ندارد، اگرچه به نظر می‌رسد که دیوان در آینده احتمالا در تصمیم‌گیری خود راجع به پذیرش ادله از استثنائات کلی شناخته شده توسط نظام‌های حقوقی ملی جهت تمیز ادله موثق و صادق کمک خواهد گرفت. همان‌گونه که هلن برادی می‌گوید: «مذاکرات در کمیته ویژه و کمیته مقدماتی نشان داد که شکاف عمیقی بین کامن‌لاو حقوق اروپایی در رابطه با قلمرو و ماهیت قواعد مربوط به ادله دیوان کیفری بین‌المللی وجود دارد. معذکذک نهایتا مصالحه‌ای حاصل شد که نتیجه آن تلفیق ظریفی از مفاهیم کامن لائو و حقوق اروپایی جهت برگزاری محاکمه‌های شایسته و منصفانه بود.»^{۴۶} شرط قابل پذیرش بودن ادله، مربوط بودن و ضروری بودن آن است. در تفسیر این قاعده گفته شده که اگرچه ماده ۶۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی واقعا اعتبار را به عنوان یک شرط قابل پذیرش بودن ادله ذکر نمی‌کند اما به نظر می‌رسد که اعتبار جزء جدانشدنی شرط مربوط بودن ادله و ارزش اثبات داشتن ادله است. در دیوان کیفری بین‌المللی در مورد حق سوال از شهود، محدودیت‌هایی وجود دارد. مقررات حاکم بر شهادت قربانیان جنایات جنسی از جمله مثال‌هایی در مورد این محدودیت است. در این مورد اساسنامه به دادگاه اجازه ارائه ادله از طریق وسایل الکترونیکی یا سایر وسایل خاص را داده است. قواعد آیین دادرسی و ادله نیز متضمن مقرراتی در مورد محدودیت‌های سوال از شهود و قربانیان است. همچنین سوال از شهود ممکن است به دلیل تکراری بودن یا تهمت بودن اجازه داده نشود.^{۴۷}

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در قسمت‌های مختلف این مقاله بیان گردید، تحصیل دلیل به عنوان رکن مهم فرآیند دادرسی در نظام‌های جزایی سرزمینی و جهانی بسیار حائز اهمیت است. اما کسب دلیل به دلایل مختلفی همچون الزامات اخلاقی، عرفی

توسط کارکنان جامعه عدالت باز که از ژوئیه ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱ انجام شده نشان می‌دهد که ۷ میراث برای ادامه کار دادگاه ویژه پیش‌بینی شده است که پنجمین آن، برنامه‌ریزی برای بودجه نهایی اتحادیه حفاظت از شاهدان ملی است. یعنی تحصیل شهادت در این محکمه تا بدان‌جا مشکل بوده که برای حفاظت از شاهدان تشکیلات خاصی در نظر گرفته شده است.^{۴۰}

۶-۳- دادگاه رسیدگی به جنایت صدام

شورای حکومت موقت عراق در دهم دسامبر سال ۲۰۰۳ اساسنامه دادگاه ویژه‌ای با صلاحیت شخصی و سرزمینی را تصویب نمود تا امکان محاکمه و تعقیب صدام و وابستگان رژیم وی را فراهم آورد.^{۴۱} این دادگاه بعدها به دادگاه صدام معروف گردید. در این دادگاه به مانند دادگاه سیرالئون در خصوص تحصیل دلیل دغدغه‌هایی احساس می‌گردید. به طوری که طرفداران نظام صدام حسین به قتل و آزار و اذیت شهود پرونده اقدام نمودند.^{۴۲} علاوه بر این در اکثر محاکمات نظامی، سران و مقامات نظامی که به محاکمه آنها پرداخته می‌شود سعی در از بین بردن کلیه مدارک و آثار مجرمیت خویش برمی‌آیند که این مورد هم از جمله موارد مشکلات موجود در نظام تحصیل دلیل در محاکمات جزایی بین‌المللی محسوب می‌گردد. نکته دیگری که باید بدان اشاره نمود این است که در پرونده‌هایی که طرف‌های خارجی در آن درگیر هستند همچون جنایات صدام حسین علیه کشور و ملت ایران، تهیه و ارائه مدارک جهت رسیدگی به دلیل پاره‌های ملاحظاتی سیاسی امری پیچیده تلقی شده و از معایب نظام اثبات دلیل برشمرده می‌شود.

۷-۳- دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC)

سرانجام پس از سال‌ها انتظار، آرزوی دیرینه سازمان‌ها، کنگره‌ها و حقوقدانانی که خواستار تشکیل یک مرجع قضایی کیفری مستقل در سطح بین‌المللی بودند جامه عمل به خود پوشید و سنگ بنای دیوان کیفری بین‌المللی با تصویب اساسنامه آن در کنفرانس رم در تاریخ ۱۷ ژوئیه سال ۱۹۹۸ نهاده شد.^{۴۳} دادگاه کیفری بین‌المللی، بر اساس یک صلاحیت تکمیل تشکیل گردیده است. ماهیت تکمیلی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، متضمن نوعی هماهنگی و پویایی در ساختار قضایی و تقنینی نظام‌های ملی است تا دولت‌ها بتوانند اولویت‌های خود را در رسیدگی و تعقیب جرایم بین‌المللی محفوظ دارند.^{۴۴} اساسنامه تاسیس دادگاه کیفری بین‌المللی که به اساسنامه رم معروف است، متضمن یک سری اصول و قواعد جهانی جهت دادرسی بین‌المللی کیفری است و در خصوص چگونگی تحصیل دلیل و نظام ارائه و

سبانه‌های همچون تجاوز جنسی یا حتی در شکل تحقیرکننده آن به صورت بردگی جنسی نیز به قتل عام غیرنظامیان افزوده شد.^{۴۵} حدود صلاحیت این دادگاه که مقر آن در لاهه هلند در نظر گرفته شد، رسیدگی به جنایت نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت و موارد نقض ماده ۳ مشترک در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل دوم الحاقی سال ۱۹۷۷ به این کنوانسیون بود.^{۴۶} در خصوص نظام ادله اثبات موجود در دادگاه رواندا، تاکید زیادی به حمایت از شهود شده است. برای مثال ماده ۱۹(۱) اساسنامه دادگاه، مقرر می‌دارد که با در نظر گرفتن حقوق متهم و با توجه به حفاظت از قربانیان و شهود اطمینان حاصل شود. در این راستا واحد حفاظت از قربانیان و شهود دیوان رواندا در شهر آروشا تانزانیا مستقر گردید. این واحد بر مسافرت شهود از محل اقامت خود به شهر آروشا و تامین امنیت و سلامتی آنان در جریان استماع شهادت نظارت انجام داده است.^{۴۷}

۵-۳- دادگاه کیفری بین‌المللی سیرالئون

دادگاه ویژه سیرالئون به عنوان سومین نسل از دادگاه‌های کیفری در سال ۲۰۰۲ تاسیس شد و در مقایسه با دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است. این دادگاه برخلاف دادگاه‌های بین‌المللی سابق که به موجب تصمیم یک‌جانبه شورای امنیت برپا شده بودند، به درخواست دولت سیرالئون طبق موافقت‌نامه‌ای میان این دولت و سازمان ملل متحد دایر و در محل وقوع جنایات مستقر شده است. این دادگاه ویژه، دادگاهی دوگانه و ترکیبی از دادگاه‌های ملی و بین‌المللی است که اساسنامه‌اش شامل مقررات حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق داخلی سیرالئون بوده، از نظر ساختاری دربردارنده ترکیبی از کارکنان ملی و بین‌المللی است. به موجب این اساسنامه، دادگاه صلاحیت محاکمه اشخاصی را دارد که از ۳۰ نوامبر ۱۹۹۶ دارای بیشترین مسئولیت به خاطر ارتکاب نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق سیرالئون در این کشور هستند. این اشخاص عبارتند از: رهبران جبهه متحد انقلابی، شورای انقلابی نیروهای نظامی و نیروهای دفاع غیرنظامی و البته چارلز تیلور، رئیس‌جمهور سابق لیبریا و دادگاه به جنایات ارتکابی آنها رسیدگی می‌کند.^{۴۸} یکی از مشکلات اساسی دیوان‌های کیفری بین‌المللی خاص همچون سیرالئون، تحصیل دلیل در آنها و خصوصا تحصیل دلیل شهادت می‌باشد. به طوری که جریان رسیدگی در آنها بارها به دلیل آزار و اذیت شهود متوقف گردید.^{۴۹} بر اساس گزارش جدید Legacy با عنوان «ادامه کار دادگاه ویژه سیرالئون» تحقیقات و مصاحبه‌های انجام شده

- ۶- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج دوم، انتشارات سمت، تهران، سال ۱۳۸۳، ص ۲۳۳.
- ۷- ترخانی، شهریار، نحوه کسب ادله اثبات و قرائن و امارات جرم و احصاء آنها، علوم جنایی (گزیده مقالات مبارزه با مواد مخدر در ایران)، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر، سال ۱۳۸۴، ج اول، ص ۹۷.
- ۸- procedure de Manuel, pradel J, cujas.edition ۱۳eme, paris, penal, ۲۰۰۷, p. ۴۸۵.
- ۹- آخوندی، محمد، آیین دادرسی کیفری، نشر مجد، ج چهارم، تهران، سال ۱۳۸۴، ص ۳۸۳.
- ۱۰- پیمانی، ضیاءالدین، دلایل قضایی در حقوق انقلابی فرانسه، تهران، چاپخانه خرمی، سال ۱۳۵۶، ص ۱۸.
- ۱۱- گلدوزیان، ایرج، حقوق کیفری تطبیقی، نشر مجد، تهران، سال ۱۳۸۲، ص ۸۲.
- ۱۲- ضرابی، غلامرضا، آیین دادرسی کیفری، ج اول، تهران، نشر گنج دانش، سال ۱۳۷۲، ص ۱۰۳.
- ۱۳- جمعی از نویسندگان، ادله اثبات دعوی کیفری، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال ۱۳۸۵، ص ۷۹.
- ۱۴- پورزند، پژمان، ژرف ساختن دلیل کیفری، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، بهار ۱۳۸۰، ص ۲۲.
- ۱۵- گلدوزیان، ایرج، حقوق کیفری تطبیقی، پیشین، ص ۳۶.
- ۱۶- زراعت، عباس، اصول آیین دادرسی کیفری ایران، نشر مجد، تهران، ج اول، سال ۱۳۸۲، ص ۴۶.
- ۱۷- گلدوزیان، ایرج، حقوق کیفری تطبیقی، پیشین، ص ۸۲.
- ۱۸- تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، پیشین، صص ۱۰۶-۱۰۷.
- ۱۹- زمانی، سیدقاسم، نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۹، سال ۱۳۸۵، صص ۳۱۵-۲۹۵.
- ۲۰- زمانی، سیدقاسم و همکاران، نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، نشر شهردانش، چ اول، تهران، سال ۱۳۸۶، صص ۱۷-۱۶.
- ۲۱- مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، چ سوم، تهران، سال ۱۳۸۳، ص ۱۸۳.
- ۲۲- for convention European and rights human of protection freesoms fundamental
- ۲۳- قربانی، علی، دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، نشر حقوق امروز، ج اول، تهران، سال ۱۳۹۰، ص ۱۰.
- ۲۴- شهبازی، آرامش، تکثر سیستم قضایی بین‌المللی، فصلنامه حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، سال دوازدهم، ش ۲۹، تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۱۵.

بنابراین بایستی با توجه به وضعیت موجود به تقویت این نهادها در جهت تضمین برقراری یک دادرسی منصفانه همت گماشته شود. باید قبول کرد که مقررات آیین دادرسی کیفری بین‌المللی کاملاً منقطع هستند و هیچ‌گونه ضمانت اجرایی خاصی برای نقض تشریفات دادرسی وجود ندارد. بنابراین قضاوت هیچ‌گونه دستورالعملی در مورد اصولی که باید اجرا کنند، در اختیار ندارند. مضافاً قواعدی در خصوص رد ادله و مدارک وجود ندارد. بنابراین، به لحاظ نظری قضاوت می‌تواند هرگونه ادله‌ای را بپذیرد. به طور کلی، اصل بر پذیرش هرگونه ادله‌ای است. همچنین آیین دادرسی کیفری بین‌المللی نسبت به آیین دادرسی ملی، از تشریفات کمتری برخوردار است. به هر حال تردید وجود دارد که آیا نظام آزاد تحصیل دلیل در محاکم بین‌المللی روش مناسبی است یا خیر؟ در نتیجه، عدالت کیفری بین‌المللی رویکرد انعطاف‌پذیری را در پذیرش ادله تقویت کرده است. رویکردی که هرچند از دیدگاه کارایی ادله مفید به نظر می‌رسد ولی تساوی رفتار با متهمان را تأمین نمی‌کند. همین‌طور سرعت محاکمات را افزایش نمی‌دهد. ادله ممکن است پذیرفته شوند، به دادگاه ارائه شوند و مورد بحث قرار گیرند، اما در پایان ممکن است متقاعدکننده از کار درنیایند. این امر طبیعتاً بدون آنکه هیچ‌گونه مزیت واقعی برای تقویت عدالت محسوب شود، ممکن است به اتلاف قابل توجه زمان منتهی شود. نکته آخر اینکه ممکن است بین نظام‌های سرزمینی و بین‌المللی تحصیل دلیل، تعارضی رخ دهد. در پاسخ باید گفت که نظام‌های جهانی تحصیل دلیل اکثراً تابع نظام آزاد تحصیل بوده و برعکس نظام‌های سرزمینی تابع اصل قانونی بودن تحصیل دلیل می‌باشند. در این راستا باید به برتری نظام‌های تابع آزادی تحصیل دلیل، علی‌رغم معایب آنها رای داد. زیرا این نظام‌ها دربرگیرنده قواعد مستحکم‌تری در دفاع از حقوق دفاعی طرفین دعوا می‌باشند.

پی‌نوشت:

- ۱- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، نشر موسسه پژوهش‌های شهر دانش، تهران، سال ۱۳۸۸، صص ۴۰۴-۴۰۳.
- ۲- فرخنده، علی، تحصیل دلیل در حقوق کیفری، مجله دادرسی، ش ۵۷، سال ۱۳۸۵، ص ۴۸.
- ۳- تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، تهران، سال ۱۳۸۸، ص ۱۲.
- ۴- انصاری، باقر و همکاران، آموزش حقوق بشر، نشر مجد، تهران، سال ۱۳۸۸، صص ۶۹-۶۸.
- ۵- تدین، عباس، باقری‌نژاد، زینب، تضمین دادرسی منصفانه در پرتو اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۳، بهار ۱۳۹۰، ص ۲۱۵.

و قانون تابع قواعد و مقرراتی شده و در چارچوب مشخصی تعریف و تبیین گردیده است. از این رو، این‌گونه نیست که محکمه جزایی به هر دلیلی که ارائه گردیده ترتیب اثر دهد و یا آن را منشا صدور حکم قرار دهد. زیرا قواعد تحصیل دلیل چنان ریشه در اصول و قواعد حقوق بشری به عنوان حامی کرامت انسانی دارند که اجازه نمی‌دهند دلایل نامعتبر مورد قبول واقع شوند. از سویی دیگر، جهت تضمین یک دادرسی منصفانه، توسل به طرق مختلف جهت ارائه دلیل ضروری شناخته شده است. منتها روش‌های تحصیل دلیل تابع ضوابطی هستند که عدول از این ضوابط، دلیل را نامعتبر ساخته و به دلیل نامعتبر یا باطل نمی‌توان اتکا نمود. جهت دستیابی به قواعد مناسبی برای شناخت دلایل معتبر از نامعتبر، می‌تواند به اسناد و مدارک جهانی حقوق بشر رجوع نمود. در این اسناد، اصول کلی تحصیل دلیل همچون اصل برائت مورد عنایت قرار گرفته است. در قانون اساسی و مقررات قانون آیین دادرسی کشورمان، در اصول و مواد مختلفی، به درستی، قواعد تحصیل دلیل گنجانیده شده است. بدین ترتیب که قانون‌گذار خواسته است این قواعد، منشا اثر قرار گیرند و تجاوز به این قواعد با حکم عدم اعتبار دلیل مآخوذه مواجه گردد. نکته دیگر اینکه در تقابل بین دو نظام سنتی قانونی بودن تحصیل دلیل و نظام آزاد تحصیل دلیل، باید قائل به تفکیک شویم. بدین صورت که در مواردی که لازم باشد باید از اصل کلی قانونی بودن تحصیل دلیل عدول نموده و به نظام آزادی تحصیل دلیل روی آوریم. اما باید این امر مهم را در نظر گرفت که نظام آزاد تحصیل دلیل یک استثنا تلقی می‌شود. اما در عرصه بین‌المللی نیز این تضاد به چشم می‌خورد. در نیم قرن اخیر، تشکیل محاکم بین‌المللی جهت رسیدگی به جنایات جنگی و موارد نقض حقوق بشر، منجر به ایجاد رویه مناسبی در نظام تحصیل دلیل شده است. در این راستا هرکدام از دادگاه‌های مورد مذکور دارای اساسنامه خاص خود هستند که در این اسناد به چگونگی اخذ دلیل اشاره شده است. بررسی روند نظام ادله اثبات در این محاکم، بیانگر توسعه نظام آزاد تحصیل دلیل گسترش یافته و امکان یک محاکمه منصفانه فراهم آمده است. اما به دلیل پراکندگی قواعد دادرسی این محاکم، بهتر است در تدوین مقررات دیوان کیفری بین‌المللی در مورد نظام تحصیل دلیل از تجارب محاکم پیشین استفاده شود. یکی از موارد بسیار مهمی که باید عمیقاً به آن عنایت نمود، موضوع حفاظت از دلایل می‌باشد. از جمله دلایلی که در بسیاری از محاکم داخلی و بین‌المللی مورد نقض پیاپی قرار می‌گیرد، دلیل شهادت است. در این خصوص محاکم بین‌المللی به تشکیل نهادهایی جهت حمایت از شهود اقدام نموده‌اند.

اندیشه‌های حقوقی، سال چهارم، ۱۳۸۵، ش ۱۱
 - خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، نشر موسسه پژوهش‌های شهر دانش، تهران، سال ۱۳۸۸
 - رنجبریان، امیرحسین، ملک‌الکتاب خیابانی، مهدیه، دادگاه ویژه سیرالتون: فرایند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفرمانی، دوفصلنامه حقوق بین‌الملل، شماره ۴۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
 - زراعت، عباس، اصول آیین دادرسی کیفری ایران، نشر مجد، تهران، چ اول، سال ۱۳۸۲
 - زمانی، سیدقاسم، نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، مجله پژوهش‌های حقوقی، ش ۹، سال ۱۳۸۵
 - زمانی، سیدقاسم و همکاران، نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، نشر شهر دانش، چ اول، تهران، سال ۱۳۸۶
 - زمانی، سیدقاسم، حسینی اکبرنژاد، هاله، اصل صلاحیت جهانی در آیین دیوان کیفری بین‌المللی، دوفصلنامه حقوق، ش ۲۶، بهار و تابستان ۸۸
 - زاپالا، سالواتور، حقوق بشر در محاکمات کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان، تهران، انتشارات دانشگاه شهید چمران، سال ۱۳۸۷
 - شاباس، ویلیام، مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه دکتر سیدعباس میرعباسی، حمید الهوتی نظری، چ اول، تهران، نشر جنگل، سال ۱۳۸۴
 - شهبازی، آرامش، تکثر سیستم قضایی بین‌المللی، فصلنامه حقوق دانشگاه علامه طباطبایی، سال دوازدهم، ش ۲۹، تابستان ۱۳۸۹
 - ضرابی، غلامرضا، آیین دادرسی کیفری، چ اول، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۲
 - فرخنده، علی، تحصیل دلیل در حقوق کیفری، مجله دادرسی، ش ۵۷، سال ۱۳۸۵
 - فیوضی، رضا، زهرا، حقوق بین‌المللی کیفری، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول، سال ۱۳۸۶
 - قربانی، علی، دادرسی منصفانه در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، نشر حقوق امروز، چ اول، تهران، سال ۱۳۹۰
 - کاسسه، نتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، مترجمان، حسین پیران، اردشیر امیرارجمند، زهرا موسوی، نشر جنگل، چ اول، سال ۱۳۸۷
 - کیتی چایساری، کریانگ ساک، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه دکتر حسین آقایی جنت‌مکان، نشر جنگل، شماره ۴۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۲۳
 - گلدوزیان، ایرج، حقوق کیفری تطبیقی، نشر مجد، تهران، سال ۱۳۸۲
 - مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، چ سوم، تهران، سال ۱۳۸۳
 - میرمحمدصادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل، مجموعه مقالات، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷

۴۲- www.asiran.com
 ۴۳- William Bourdon avec Wmmanuelle deverger, la cour penale international (le status de ۱۳et s p, ۲۰۰۰. rome), paris, seuil
 ۴۴- زمانی، سیدقاسم، حسینی اکبرنژاد، هاله، اصل صلاحیت جهانی در آینه دیوان کیفری بین‌المللی، دوفصلنامه حقوق، ش ۲۶ بهار و تابستان ۸۸، صص ۲۰۷-۲۰۳
 ۴۵- کاسسه، آنتونیو، حقوق کیفری بین‌المللی، مترجمان: حسین پیران، اردشیر امیرارجمند، زهرا موسوی، نشر جنگل، چ اول، سال ۱۳۸۷، ص ۴۸۲.
 ۴۶- Brady Helen, system the of statute the in evidence of in court criminal international a William and lattanzi flavia Rome the on essays eds schabas ICC the of satute ۲۰۰۰, pp. ۲۷۹. ۳۰۲. p at
 ۴۷- شاباس، ویلیام، مقدمه‌ای بر دیوان کیفری بین‌المللی، ترجمه دکتر سیدعباس میرعباسی، حمید الهوتی نظری، چ اول، تهران، نشر جنگل، سال ۱۳۸۴، صص ۱۶۶. ۱۶۴.

منابع:

- آخوندی، محمد، آیین دادرسی کیفری، نشر مجد، چ چهارم، تهران، سال ۱۳۸۴
 - آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج دوم، انتشارات سمت، تهران، سال ۱۳۸۳
 - انصاری، باقر و همکاران، آموزش حقوق بشر، نشر مجد، تهران، سال ۱۳۸۸
 - پیمانی ضیاءالدین، دلایل قضایی در حقوق انقلابی فرانسه، تهران، چاپخانه خرمی، سال ۱۳۵۶
 - پورزند، پژمان، ژرف ساخت دلیل کیفری، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، بهار ۱۳۸۰
 - تدین، عباس، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، نشر میزان، تهران، سال ۱۳۸۸
 - تدین، عباس، باقری‌نژاد، زینب، تضمین دادرسی منصفانه در پرتو اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۵۳، بهار ۱۳۹۰
 - ترخانی، شهریار، نحوه کسب ادله اثبات و قرائن و امارات جرم و احصاء آنها، علوم جنایی (گزیده مقالات مبارزه با مواد مخدر در ایران)، کمیته معاضدت قضای ستاد مبارزه با مواد مخدر، سال ۱۳۸۴، چ اول.
 - جمعی از نویسندگان، ادله اثبات دعوی کیفری، ادله اثبات دعوی کیفری، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۵
 - حدادی، مهدی، بررسی مشروعیت دادگاه خاص عراق (دادگاه عالی کیفری عراق)، مجله

۲۵- le .vabres de donedieu Henri ,Nurmberg de process .crim .sc .rev .۱۹۷۴, p. ۱۷۱.
 ۲۶- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، پیشین، صص ۱۲۶-۱۲۵.
 ۲۷- فیوضی، رضا، زهرا، حقوق بین‌المللی کیفری، انتشارات دانشگاه تهران، چ اول، سال ۱۳۸۶، ص ۷۱.
 ۲۸- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، پیشین، صص ۱۲۶-۱۲۵.
 ۲۹- فیوضی، رضا، زهرا، حقوق بین‌المللی کیفری، پیشین، ص ۲۰۸.
 ۳۰- حدادی، مهدی، بررسی مشروعیت دادگاه خاص عراق (دادگاه عالی کیفری عراق)، مجله اندیشه‌های حقوقی، سال چهارم، ۱۳۸۵، ش ۱۱، ص ۱۰۴.
 ۳۱- competence la ,Castillo Maria .yugoslavielayourpenaltribunaldu .p. ۱۹۹۴, p. ۶۱
 ۳۲- کیتی چایساری، کریانگ ساک، حقوق کیفری بین‌المللی، ترجمه دکتر حسین آقایی جنت‌مکان، نشر جنگل، سال ۱۳۸۷، صص ۳۵۴-۳۵۳
 ۳۳- زاپالا، سالواتور، حقوق بشر در محاکمات کیفری بین‌المللی، ترجمه حسین آقایی جنت‌مکان، تهران، انتشارات دانشگاه شهید چمران، سال ۱۳۸۷، صص ۱۷۲-۱۷۱.
 ۳۴- حدادی، مهدی، بررسی مشروعیت دادگاه خاص عراق (دادگاه عالی کیفری عراق)، پیشین، ص ۱۰۴
 ۳۵- میرمحمد صادقی، حقوق جزای بین‌الملل، مجموعه مقالات، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۷، ص ۱۵۶
 ۳۶- trbunaux les .Ascension Herve le por et yougoslavie les pour hoc ad .penal international drit in .Rwanda .۲۰۰۳, p. ۷۱۵.
 ۳۷- کیتی چایساری، کریانگ ساک، حقوق کیفری بین‌المللی، پیشین، صص ۳۶۱-۳۳۹
 ۳۸- رنجبریان، امیرحسین، ملک‌الکتاب خیابانی، مهدیه، دادگاه ویژه سیرالتون: فرایند تشکیل، صلاحیت و مقابله با بی‌کیفرمانی، دوفصلنامه حقوق بین‌الملل، شماره ۴۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۲۳
 ۳۹- www.internationallaw.blogfa.
 ۴۰- www.peaceandwar.
 persianblog.ir
 ۴۱- حدادی، مهدی، بررسی مشروعیت دادگاه خاص عراق (دادگاه عالی کیفری عراق)، پیشین، ص ۱۰۴